



اوج‌گیری والیبال؛ پله‌پله تا ولاسکو

والیبال در ویرانه‌های جنگ جهانی دوم و در آتش جنگ و فقر و گرسنگی مردم ایران، بهانه‌ای برای صلح بود. این ورزش به تالار مجهری نیاز نداشت و بازیکنان آن در کنار خرابه‌های شهرهای اشغال شده بازی می‌کردند، حتی اگر تیم مقابل از بین سربازان متفقین تشکیل می‌شد.

اولین رد پای خارجی‌ها در والیبال ایران را باید در حضور نیروهای متفقین در زمان اشغال ایران در جنگ جهانی دوم جستجو کرد. اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در جنگ دوم بین‌المللی، ارتباط ورزش ایران بویژه والیبال را با سربازان این نیروها به همراه داشت.

برای نخستین بار یک تیم از ایران برابر ارتش روسیه در بندر انزلی بازی کرد تا مقدمات آشنایی و برقراری ارتباط بین‌المللی والیبال از طریق جنگ و اشغال ایران فراهم شود. سال‌ها پیش از این ارتباطات بود که میرمهدی ورزنده میل به ارتباط با خارجی‌های والیبال را در سال 1299 همزمان با ورود والیبال به ایران ایجاد کرده بود. در سال 1302 از روی مجلات ورزشی غربی بخشی از قوانین بازی والیبال به فارسی روی کاغذ نوشته و سال 1304 هجری شمسی، والیبال در خاک ایران فراگیرتر شد.

در سال‌های اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، جوانان بسیاری از طریق والیبال میان این نیروها با سربازان ایرانی جذب آن شدند و به این ترتیب والیبال به لحاظ جذب نیروهای انسانی با استقبال بیشتر قشر جوان جامعه روبه‌رو شد.

در همان سال‌ها ارتش روسیه به تیمی از ایران باخت تا گستردگی این ورزش در ایران بیشتر شود. فریدون شریف‌زاده، جوان دانشجوی آن سال‌ها در دانشگاه‌های ترکیه بود که بسکتبال را با خود به ایران آورد. وی در دوران دانشجویی برای تیم باشگاهی گالاتاسرای ترکیه بازی می‌کرد تا مسیر ارتباطات بین‌المللی را به جوانان ایرانی نشان بدهد

والیبال، حرکت رو به رشد خود را با ترجمه کتاب «قوانین والیبال» توسط ضیاءالدین شادمان ادامه داد و سال 1959 به عضویت فدراسیون جهانی والیبال (FIVB) درآمد. پس از این سال با معرفی بیشتر والیبال در مجامع بین‌المللی، فعالیت‌ها بیشتر شد و اعزام مربیان و داوران به کلاس‌های بین‌المللی دستاوردهای تازه‌ای برای این ورزش در ایران به همراه داشت.

(2)

بیش از نیم قرن از حضور اولین مربی خارجی در تاریخ ایران می‌گذرد. سردار نصرالله خان را در آغاز سال‌های دهه 40 هجری شمسی کسی به نام مربی نمی‌شناخت، چون وی بیشتر در زمینه داوری مطرح بود.

جمشید حمیدی از کارشناسان والیبال درباره اوضاع والیبال ایران در آن سال‌ها و اشتیاق مسئولان وقت برای به کارگیری مربیان خارجی می‌گوید: سردار نصرالله خان را بازیکنان ملی‌پوش آن دوره از عوامل شکست تیم ملی برابر تیم ژاپن می‌دانستند. او با نفوذی که در داوران والیبال آسیا داشت مقدمات این شکست را فراهم کرد، بنابراین می‌شد تصور کرد هدف از به کارگیری او در والیبال ایران، جلوگیری از اتفاقات مشابه بود.

والیبال ایران بعد از سردار نصرالله خان، مربیان خارجی زیادی به خود دید که هر کدام تجارب مهمی در اختیار جوانان ایرانی قرار دادند. مربیانی از قاره‌های آسیا، اروپا و آمریکا که تجاربی داشتند و به فراخور زمان، منشاء آموزش‌های قابل توجه والیبال بودند.

حمیدی درباره برخی از این مربیان اعتقاد دارد: مربیان خارجی خوب و بد را در این 50 سال که از تاریخ حضور نزدیک به 14 مربی خارجی در ایران می‌گذرد، داشتیم. مربیانی مانند ماتسو موتو که صرفاً مربی والیبال ساحلی بود و از طریق رایزنی‌های فرهنگی ایران و ژاپن به ایران آمد و چند سالی اینجا کار کرد. ایوان بوگاینکف به دلیل شهرت جهانی‌اش خیلی زود والیبال ایران را در بین جهانیان سرزبان‌ها انداخت. جمشید حمیدی، دستاوردهای والیبال در سال‌های کار ایوان در ایران را ارزنده می‌داند و می‌گوید: قبل از انقلاب ما مربیان خوبی مانند پروفیسور ایم یا پارک سونگ داشتیم و بعد از انقلاب این ایوان بود که در کار پایه‌ای والیبال تحولی نو ایجاد کرد. پروفیسور ایم 36 سال پیش در والیبال دنیا شهرت این روزهای ولاسکو را با خود داشت.

او همان زمان می‌گفت والیبال ایران روزی جزو ده تیم برتر جهان می‌شود که در لیگ جهانی دوره قبل همین‌گونه هم شد و ایران در جایگاه نهم ایستاد. پارک سونگ کره‌ای هم خیلی نکات والیبال روز 35 سال پیش را به بازیکنان ایران یاد داد و او همراه ایم بهترین مربیان خارجی پیش از انقلاب بودند، اما سال‌ها بعد از این دو مربی نباید تاثیرگذاری ایوان را فراموش کرد. او اواخر کارش همچنان به شیوه سنتی تمرین می‌داد در حالی که دیگر والیبال به این شیوه‌های سنتی و قدیمی نیاز نداشت، بلکه به دنبال فضاهای نوین آموزشی بود.

(3)

مشکلات مربیان خارجی در ایران دخالت سایر بخش‌های فدراسیون‌ها در کارهای آنهاست. از این رو مربیانی که می‌آمدند برابر این موضوع تا سر حد قدرت ایستادگی می‌کردند تا مبادا زیر بار حرف اغیار خارج از تیم و سیستم تفکر آنها بروند. ایم و سونگ در این دایره افتادند و ضعف‌های زیادی نشان دادند. ایوان نیز از طرفی با زبان انگلیسی آشنایی نداشت و نمی‌توانست خود را به روز کند و از سوپی با دخالت اطرافیان، هویت فنی خود را رفته رفته از دست داد.

کارشناس والیبال ایران درباره این قبیل مشکلات که با حضور مربیان خارجی بارها در والیبال اتفاق افتاده است، می‌گوید: همیشه عده‌ای می‌خواهند کارهایی را از بیرون به مجموعه تیم تحت هدایت مربی خارجی دیکته کنند. ایم از این‌که استقلال نداشت ناراحت بود.

همین نکته نیز سرنوشت ایوان در سال‌های پایانی کارش در ایران بود. مریبانی مانند او به دلیل بالارفتن سن ترجیح می‌دادند کار را با هر شرایطی دنبال کنند، چون خروج از والیبال ایران به منزله از کارافتادگی و شروع دوران بازنشستگی بود.

از دوران پارک سونگ تا آغاز کار پارک کی‌وون دو دهه گذشت، اما بسیاری از مریبان و کارشناسان والیبال کارایی این دو مربی کره‌ای را در والیبال ایران تحسین می‌کنند. پارک کی‌وون 12 سال در ایتالیا مربیگری کرد و به رموز والیبال ایتالیا کاملاً آشنا بود، بنابراین حضور این مربی می‌توانست ارزش‌های فنی بازیکنان ایرانی را افزایش بدهد. جمشید حمیدی نیز این نکته را درباره او تأیید می‌کند: او در کلاس ایتالیا درس آموخت، اخمو و بداخلاق و مقرراتی بود و ارتباط لازم را برقرار نمی‌کرد، اما کاربلد بود. پارک با خود چه کارهایی از والیبال یک دهه پیش جهان به ایران آورد؟ حمیدی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: برای اولین بار بحث داشتن آنالیزور توسط پارک در ایران جدی شد. به همین منظور پائولو ایتالیایی با پیشنهاد پارک در تیم ملی استخدام شد. مربی کره‌ای والیبال ایران شیوه نوینی از بدنسازی والیبال را به ایران آورد که توسط بدنساز برجسته ایتالیایی، کارلو انجام می‌شد.

(4)

در همان زمان که این ویژگی‌های مطلوب در آمادگی حرکتی و جسمانی بازیکنان به والیبال ایران افزوده می‌شد یوتسا ست‌کوویچ، مربی‌ای از اروپای شرقی، جوانان ایرانی را تمرین می‌داد که تمرینات او را بسیاری از کارشناسان علم تمرین نمی‌پذیرفتند.

کارشناس والیبال ایران درباره این مربی صرب می‌گوید: او شیوه غلطی در آمادگی جسمانی داشت و همین شیوه‌ها باعث خانه‌نشینی تعدادی از بازیکنان والیبال شد. نتیجه‌گیری کوتاه مدت با شیوه گلخانه‌ای فشار زیادی به بازیکنان نوجوان و جوان وارد کرد و تبعات این فشارها آسیب‌دیدگی استعدادها و والیبال مانند منصور زادون و محمد محمدکاظم بود.

مریبان خارجی مانند کیاچ و گایچ افراد بعدی بودند، بویژه گایچ که رابطه بدی با خبرنگاران ایرانی داشت و با تمام آوازه مربیگری خود دو سال از والیبال ایران پول گرفت، اما در مجموع حضور او در تیم ملی بیشتر از دو ماه نبود چون فدراسیون والیبال با حضور غیرمتمرکز این مربی در ایران موافقت کرده بود.

خولیو ولاسکو بعد از گایچ به ایران آمد، مربی‌ای که حمیدی درباره‌اش می‌گوید: ولاسکو ابتدا مقابل خیلی از پدیده‌های والیبال ایران اصطلاحاً گارد گرفت، اما با گذشت زمان فهمید با تفاهم و وحدت و انسجام بین همه اهالی توپ و تور می‌تواند به موفقیت‌های بزرگی نایل آید، از این‌رو برنامه‌هایش را در فضایی کاملاً اعتمادی و اعتقادی تنظیم کرد و نتایج خوب آن را هم دید.

او بعد از دو پارک در والیبال ایران، تاثیر استثنایی در این ورزش دارد. این مربیان بویژه ولاسکو دروازه‌های طلایی والیبال جهان را به روی والیبال ایران بازکردند. والیبال ایران از سوئی با تبلیغات بین‌المللی با ولاسکو مورد توجه است و از طرفی این آرژانتینی دانش کافی در روان‌شناسی ورزشی دارد تا جایی که اثرات جادویی او در والیبال ایران کاملاً مشهود است.

محمد رضا پور / گروه ورزش

